



نظام بهائی
و
عالم معاصر

نگارش

پاشا ناظریان

نظام بهائی
و
عالم معاصر

نگارش

پاشا ناظریان

ISBN 1 875598 17 0

© Century Press 2000

Typesetting by
Shiva Dehghan

از انتشارات



P.O.Box 1309
Bundoora, Victoria 3083
Australia

فهرست مندرجات

۵	ندای حقیقت
۷	نظام های کنونی دنیا
۱۱	نظام بهائی: تشکیلات اداری بهائی
۱۱	– محفل روحانی محلی
۱۲	– محفل روحانی ملی
۱۲	– بیت العدل اعظم جهانی
۱۴	حکومت جهانی
۱۹	حل مشکلات اقتصادی و تعدیل معیشت
۲۳	نظر دیانت بهائی درباره مشاغل اقتصادی
۲۶	بعضی از تعالیم بهائی درباره اقتصاد
۳۱	مبادی روحانی دیانت بهائی
۳۱	– وحدت عالم انسانی
۳۴	– ترک تعصبات
۳۶	– صلح عمومی
۳۹	– تعلیم و تربیت اجباری و عمومی
۴۱	– تساری حقوق رجال و نساء
۴۳	– وحدت لسان
۴۵	– بیت العدل

تقدیم به همسرم پروین
که پیوسته حامی
و مشوق من
بوده است .

ندای حقیقت

امروزه دنیای بشری گرفتار مشکلات بی شمار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و نژادی است. طوفان مشکلات از هر طرف بشدت می وزد و هر کس در فکر آن است که منافع شخصی خود را حفظ نماید. در سطح بین المللی نیز هر دولتی سعی می نماید که بر قدرت مالی و نظامی خود افزوده و بر سایر ممالک برتری جوید.

قانون تنازع بقاء که مخصوص عالم حیوانات است بر همه چیز و همه جا حکمفرمایی می کند و تعاون و نوع پرستی و کمک و مساعدت بکلی از بین رفته است. مصداق این شعر که می گوید:

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است
اگرچه در عالم طبیعت ضعیف از بین می رود و قوی باقی می ماند ولی
این مخصوص عالم حیوانات است. زیرا انسان صاحب عقل و عواطف
عالیه و خصائل گوناگون از قبیل صبر و شکیبایی، مساوات و موااسات،
عدل و انصاف و مهربانی، نوع پروری، کمک بفقراء و مساعدت به
زیردستان است که او را از حیوان مجزا می سازد، بشر باید مصداق این
شعر شود که میگوید:

درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد
قریب به ۱۶۰ سال پیش دیانت بابی و بعد دیانت بهائی در ایران ظهور
کردند و با خود دستورات و قوانینی آوردند که به اعتقاد بهائیان درمان
بسیاری از گرفتاریها و امراض اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بشر امروز
می باشد.

متأسفانه همانطوریکه در ادیان گذشته مشاهده شده دیانت بهائی نیز از
ابتداء با دشمنی بسیاری از مخالفین روبرو شد و بابی ها و بعد بهائی ها

مورد ستم و شکنجه بی شمار قرار گرفتند که شرح آن خود کتابی قطور خواهد شد. معهذ این دیانت توانست در عرض این مدت کوتاه بدون توسل به زور و بدون استفاده از شمشیر و سر نیزه در سرتاسر عالم نفوذ کند بطوریکه امروزه تشکیلات بهائی در کلیه نقاط جهان موجود و از هر قبیله و طایفه و نژاد، مردم به این دیانت مقدس رو نموده و با دل و جان آن را پذیرفته اند و بسیاری از آنان حتی از مال و جان خود نیز در این راه گذشته اند.

هدف اصلی از تدوین این جزوه اثبات این حقیقت است که قوانین دیانت مقدس بهائی تنها قوانینی است که می تواند بشر را از تنگنای مصایب و مشکلات فراوان طایفه ای ملی و بین المللی امروز نجات داده و باب سعادت و رفاهیت را بر روی وی بگشاید. دستورات بهائی شامل یک عده قوانینی است که حضرت بهاءالله برای سعادت بشر نازل فرموده اند و فرق اصلی بین آنها و رژیم ها و نظام های معمولی آنست که این قوانین از منبع فیوضات الهیه سرچشمه گرفته اند در حالی که دستورات و قوانین موجود بین جوامع و ملل زائیده فکر افراد عادی بوده است.

در مورد حقانیت دیانت مقدس بهائی و تاریخ آن کتب و جزوات فراوانی نوشته شده که دیگر در این جا احتیاجی به تکرار آن نیست. اما درباره مقایسه احکام و مبانی بهائی با دیگر مرام ها و نظام های بشری کمتر صحبت شده، این است که نگارنده سعی کرده است در این جزوه در حد امکان اهمیت دستورات و تعالیم بهائی و نیز نواقص نظام های موجود را بیان نماید. زیرا بشر امروز یا باید از این احکام الهی تبعیت نماید و برای همیشه خود را از چنگال گرفتاریها و معضلات مادی و معنوی نجات دهد و یا بدون توجه به آنها با مشکلات و سختی های رو بتزاید موجود دست و پنجه نرم کند.

نظام های کنونی دنیا

مهمترین انظمه حکومتی دنیا که اکنون بیشتر کشورها را در بر گرفته نوعی دموکراسی یا دیکتاتوری است که هر کدام از این نظامها عیوب فراوانی دارد که ذیلاً به بعضی از آنها به اختصار اشاره می گردد. ولیکن نظم بدیع امر بهائی نه دیکتاتوری و نه دموکراسی بلکه نظامی است جدید که از الهامات غیبی الهی سرچشمه گرفته است (بعداً بطور کامل نظام بهائی شرح داده خواهد شد).

۱- دیکتاتوری: دیکتاتوری معمولاً بر پایه حکومت فردی قرار گرفته و فرد هم هر قدر مطلع و وارد باشد باز نمی تواند ادعا کند که از همه جهات کامل و جامع و مصون از خطا است. به قول معروف «گل بی عیب خداست».

تاریخ بشر بخوبی نشان می دهد که چه بسیار دیکتاتورها آمدند و رژیم هایی تأسیس نمودند و در اثر اشتباهات فراوان، نظام آنها سرنگون شد و اثری از اقدامات ایشان باقی نماند.

هر فرد قبل از هر چیز به فکر منافع شخصی خود و خانواده خویش می باشد و در سطح بین المللی هم طرفداری از کشور خویش می نماید و هیچ دیکتاتوری نیست که طرفدار جوامع بشری باشد.

افراد همیشه تحت تأثیر احساسات شخصی قرار می گیرند و تصمیم هایی که اتخاذ می نمایند کمتر بر پایه عقل و منطق قرار دارد در حالیکه اگر این تصمیمات بر مبنای مشاوره که اساس تعالیم بهائی است پایه گذاری شده باشد به فرموده حضرت عبدالجباء « بارقه حقیقت از آن ساطع

خواهد شد».

اگر تاریخ زندگی بشر را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که دیکتاتورها معمولاً تحت تأثیر سخنان متملقین و چاپلوسان و سخن چینان قرار گرفته اند و به همین دلیل حکومت آنها ثباتی نداشته دچار کبر و غرور گشته و سقوط نموده اند.

شخص دیکتاتور همیشه می خواهد بر منابع ثروت خود بیافزاید. این است که افراد ملت را تحت شکنجه و سختی قرار می دهد و در سطح بین المللی نیز دیکتاتور اکثراً علاقه به توسعه و جهان گیری پیدا می کند و این گاهی خود موجب جنگ و تصادم بین ملت ها گردیده است (البته منظور این نیست که جنگ و خونریزی فقط در رژیم های دیکتاتوری دیده می شود و رژیم های دموکراسی از آن مبتری هستند).

دیکتاتوری دسته جمعی هم چه مذهبی و چه دیکتاتوری یک حزبی، آزادی را از بین می برد و با هر گونه عقیده و مرام که غیر از افکار خود باشد به شدت مخالفت می کند. به همین دلیل در دیکتاتوری دسته جمعی نیز مخالفین مورد شکنجه و عذاب و حبس قرار می گیرند. اموال آنها تاراج می گردد، روزنامه هایشان توقیف می شود و بسیاری از آنها حتی جان خود را نیز از دست می دهند.

دیکتاتوری عیوب فراوان اقتصادی نیز دارد زیرا چه در اتوکراسی فردی و چه در اتوکراسی دسته جمعی معمولاً تمایل براین است که به تسلیحات و قوای نظامی بیافزایند. تجربه نشان داده که دیکتاتور از طرفی برای حفظ رژیم خود و از طرف دیگر برای قانع کردن حسن توسعه طلبی سعی می کند که قسمت اعظم بودجه کشور را صرف ارتش نماید و متأسفانه سایر قطاع مملکت از جمله کشاورزی و صنعت و تجارت کم و بیش فراموش می شود یا اینکه آن توجهی را که لازم دارد بدست نمی آورد. البته در گذشته در بعضی از کشورهای دیکتاتوری ضمن توسعه قوای نظامی اوضاع اقتصادی نیز ترقی کرده است ولی مسئله این جاست که اگر بودجه کشور کمتر به ارتش اختصاص می یافت. این پیشرفتهای اقتصادی

بطور قابل ملاحظه ای بیشتر و عمیق تر می بود. مثلاً در کشورهای آلمان و ایتالیا قبل از وقوع جنگ بین المللی دوم پایپای ارتش، اقتصاد مملکت هم ترقی نمود. ولی علمای اقتصاد به این پیشرفت Totalitarian Economy نام داده اند. اگر آن همه پول که صرف توسعه وسائل حریبه شد به عمران و آبادی و صنعت و تجارت و توسعه و ترقی مملکت اختصاص می یافت آن وقت معلوم می شد که چه نتایج عظیمه مهمه ای حاصل می گشت و چقدر این ترقی اقتصادی مملکت بیشتر می شد.

در اتحاد جماهیر شوروی که مدت هفتاد سال تحت رژیم دیکتاتوری بود توسعه و ترقی مملکت آن توجه لازم را پیدا نکرد و دیدیم که اقتصاد آن کشور در اثر افراط و تفریط هائی که زاده مرام دیکتاتوری است چه صدمه فراوانی دید و این امر در کلیه کشورهای دیکتاتوری دنیا کم و بیش به چشم می خورد.

۲- دمکراسی : یکی از عیوب دمکراسی مبارزات انتخاباتی آن است که در آن هر کس می خواهد به عضویت پارلمان و یا به ریاست جمهوری یا سایر مناصب انتخاب شود سعی می کند که با وعده و وعید مردم را فریب داده و آنها را وادار سازد که به وی رأی بدهند. چه بسیار افراد که قبل از انتخاب شدن به مردم قولهایی داده اند و پس از انتخابات بطور کلی آنها را فراموش کرده اند. در صورتی که همانطور که بعداً ملاحظه خواهد شد در انتخابات بهائی اصولاً از مبارزه انتخاباتی و کاندید شدن و کاندید کردن و این قبیل امور اثری نیست.

در دمکراسی غربی انتخاب شدگان جوابگوی مردم هستند در صورتیکه در انتخابات بهائی منتخبین جوابگوی وجدان خود می باشند نه مردم. مثلاً نماینده پارلمان خود را مسئول حوزه انتخاباتی خود می داند و سعی می کند که فقط منافع مردمان آن ناحیه را در نظر بگیرد زیرا اگر چنین اقدامی نکند در انتخابات بعدی مردم به او رأی نخواهند داد. همین طور رئیس جمهور و یا نخست وزیر هر کشوری خود را مسئول مملکت خود می داند و بس، در حالیکه در انتخابات بیوت عدل محلی و ملی و بین

المللی بهائی اعضای انتخاب شده خود را نماینده تمام مردم می دانند و هرگز از منافع یک طبقه و یا یک طائفه و یا یک حزب و یا یک ملت بخصوص حمایت نمی کنند. اعضای بیت العدل اعظم بهائی که تعدادشان ۹ نفر است به هیچ مملکت بخصوصی بستگی ندارند و آنها خود را نماینده تمام عالم می دانند (چه بهائیان و چه غیربهائیان). آنها به وجدان خویش مراجعه می کنند و جوابگوی مردم نیستند.

یکی دیگر از عیوب دمکراسی معمولی این است که اکثراً هر نفسی که پول داشته باشد و یا حزب او را کمک مالی کند می تواند خود را کاندیدا نماید و کسانی که از ثروت ظاهری بی بهره هستند معمولاً مشکل می توانند در مبارزات انتخاباتی شرکت نمایند. زیرا مبارزه انتخاباتی غالباً احتیاج به پول دارد در صورتیکه در انتخابات بهائی مسئله پول اصلاً مطرح نیست.

اعضای پارلمان یا نخست وزیر و یا رئیس جمهور که بطریق دمکراسی امروزی انتخاب می شوند طرفدار حزب خود هستند و با سیاست احزاب دیگر بشدت مخالفت می کنند ولو اینکه سیاست حزب مخالف صحیح تر و یا بهتر باشد.

در سازمان ملل متحد هر نماینده در فکر آن است که حافظ منافع مملکت خود باشد زیرا او نماینده کشور خودش است.

کشورهای بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل متحد حق وتو دارند و وقتی که نظر اکثریت غیر از نظر خودشان باشد سهولت می توانند با استفاده از حق وتو از تصویب قطعنامه ها جلوگیری بعمل آورند.

دسته بندی های سیاسی بنحوی که چند دولت علیه چند دولت دیگر متحد می شوند و یا از دادن رأی خودداری می کنند و یا از جلسه خارج می شوند از دیگر مسائلی است که نمونه های آنها بکرات مشاهده شده است. عیب دیگر دمکراسی رأی ممتنع است. هر نماینده می تواند از اظهار نظر و دادن رأی خودداری نماید در صورتی که در تشکیلات بهائی رأی ممتنع Abstention اصلاً وجود ندارد.

نظام بهائی یا تشکیلات اداری بهائی

تشکیلات اداری بهائی در سراسر عالم در سه مرحله انجام میگیرد. در مرحلهٔ محلی محافل روحانیه (بیوت عدل محلی) و در سطح ملی محافل ملی (بیوت عدل ملی) و در سطح بین المللی بیت العدل اعظم مرکز تصمیم گیری و قانون گذاری هستند. این انتخابات سه مرحله ای است که ذیلاً به نحوه انتخابات هر کدام اشاره می گردد.

۱- محفل روحانی محلی

هر سال در اول رضوان مطابق با اول اردیبهشت (۲۱ آوریل) (عید اظهار امر حضرت بهاءالله در باغ نجیب پاشا در بغداد) بهائیان هر ناحیه ۹ نفر از افراد آن ناحیه را به عنوان اعضای محفل روحانی محل خود انتخاب می کنند. هر فردی که به سن ۲۱ سال تمام رسیده باشد چه زن و چه مرد حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارد. انتخابات بهائی سری و آزاد است. حتی زن و شوهر نباید از رأی یکدیگر اطلاع داشته باشند. مبارزه انتخاباتی و کاندید شدن و کاندید کردن و یا اظهار اعتذار قبل از انتخابات ممنوع و بطور کلی مخالف روح بهائی است.

این ۹ نفر پس از انتخاب بلافاصله محفل روحانی محل را تشکیل می دهند. طی انتخابات داخلی و سری این افراد از بین خود یک رئیس، یک منشی و یک خزانه دار انتخاب می نمایند که وظایف مربوطه را انجام دهند.

وظایف اعضای محافل محلی (بیوت عدل محلی) فعلاً عبارت است از مواظبت و مراقبت از جامعهٔ بهائی آن ناحیه، تعلیم و تربیت اطفال، تبلیغ امر بهائی بین افراد غیر بهائی، تزئید معلومات و اطلاعات افراد محل، امور خیریه، صندوق محلی که مشتمل است از تبرعات و تقبلی های بهائیان آن ناحیه و رسیدگی به سایر مسائل محلی.

۲. محفل روحانی ملی

هر سال بهائیان هر ناحیه و یا شهری از میان خود به نسبت جمعیت بهائیان آن ناحیه فرد یا افرادی را به عنوان نماینده برای شرکت در انجمن شور روحانی ملی (National Convention) انتخاب می نمایند. این افراد انتخاب شده از سراسر کشور در نقطه ای جمع شده ضمن انجام وظایف خود که بیشتر شور و مشورت در مسائل دینی است ۹ نفر از بهائیان کشور را (نه فقط از میان خودشان) بعنوان اعضای محفل روحانی ملی (بیت العدل خصوصی) آن مملکت انتخاب می نمایند.

همانطوریکه ملاحظه می شود این ۹ نفر هر یک خود را نماینده کل کشور بحساب می آورند و از هیچ شهر یا ناحیه و یا دسته یا حزبی پشتیبانی نمی کنند بلکه در مشاورات خود پیوسته صلاح افراد مملکت را در نظر می گیرند. اعضای محفل ملی جوابگوی انتخاب کنندگان نیستند بلکه از بیت العدل اعظم جهانی که شرح انتخابش خواهد آمد اطاعت می کنند. تمام امور مربوط به کشور در محافل روحانی ملی مطرح می شود و محافل روحانی محلی تابع این محفل می باشند.

۳. بیت العدل اعظم جهانی

برخلاف محافل محلی و ملی که اعضای آنها هر سال انتخاب می شوند، ۹ نفر اعضای بیت العدل اعظم هر ۵ سال یک بار انتخاب می گردند.

نحوه انتخاب اعضای بیت العدل بدین صورت است که تمام اعضای محافل ملی عالم در حيفا که مرکز روحانی و تشکیلاتی بهائیان است جمع می شوند و طی انتخابات سری از میان بهائیان همه ممالک ۹ نفر را به عنوان اعضای بیت العدل اعظم انتخاب می کنند.

بدین ترتیب اعضای بیت العدل اعظم هیچ کدام خود را به هیچ مملکت یا ملّتی منسوب نمی دانند و از منافع هیچ کشور بخصوصی پشتیبانی نمی کنند بلکه در مشاورات خود همیشه منافع تمام عالم را در نظر دارند. آنها نمایندگان کره ارض هستند نه یک ملّت بخصوص و این فرق بسیار عمده بین نظام بهائی و دموکراسی معمول در غرب می باشد.

بیت العدل اعظم مرکز قانونگذاری بین المللی است و می تواند درباره هر موضوعی که در آثار بهائی از آنها ذکری نشده در چارچوب احکام و نصوص، اخذ تصمیم نماید ولی به هیچوجه نمی تواند کوچکترین تغییری در نصوص الهی که از قلم اعلی صادر گشته بدهد.

همچنین بیت العدل اعظم جهانی می تواند هر وقت لازم شد قوانین و مقررات وضع شده خود را لغو نموده و یا تغییر دهد و بجای آن قوانین جدیدی صادر نماید. کلیّه بیوت عدل ملی و بیوت عدل محلی در سراسر جهان گرچه به آرای عمومی انتخاب شده اند مع ذالک تابع دستورات و زیر نظر بیت العدل اعظم جهانی قرار دارند.

حضرت بهاءالله در کتاب اشراقات می فرماید: «... امور سیاسیّه کلّ راجع است به بیت العدل و عبادات بما انزله الله فی الكتاب ...»

حکومت جهانی

دیانت بهائی طرفدار یک حکومت بین المللی است که بر سرتاسر عالم حکم فرمایی کند. فی الواقع یک نوع اتحادیه بین المللی تشکیل خواهد شد و در این فدراسیون تمام اعضاء یعنی کلیه دول عالم استقلال داخلی کامل خواهند داشت و در وضع مالیات و تنظیم بودجه ملی و تعلیم و تربیت و بهداشت و حفظ امنیت داخلی و غیره کاملاً آزاد خواهند بود ولی از نظر کلی و از جهت روابط با یکدیگر زیر نظر حکومت واحد مرکزی بین المللی قرار خواهند داشت. به همانگونه که در آمریکا ملاحظه می شود که هر یک از ایالتها در مسائل داخلی کاملاً مختار ولی از نظر کلی یعنی بودجه عمومی و مالیات ملی و ارتش و سیاست همه تابع حکومت مرکزی هستند.

ملل جهان هر کدام دارای یک نوع فرهنگ و تمدن خاصی هستند و باید در پیروی عادات و رسوم خود استقلال تام داشته باشند ولی چون هدف اصلی اتحاد نوع بشر است لذا باید مساوات کلی برقرار شود بهمین جهت لازم است که همه تابع یک حکومت واحد مرکزی بین المللی باشند. از نظر تسلیحات هر کشور مختار است که به اندازه احتیاجات خود و بمنظور حفظ امنیت داخلی خویش قوای نظامی محدودی داشته باشد ولی اختیارات کلی در زمینه حفظ ارتش و قوای مسلح در دست حکومت بین المللی خواهد بود.

مسئله وحدت علاوه بر اینکه در ایالت متحده آمریکا پیاده شده در اروپا هم امروزه مورد بحث است و اعضای اتحادیه اروپا هر روز قدم جدیدی در راه وحدت بر می دارند و هدف اصلی آنها اینست که روزی یک حکومت

واحد بر جمیع ممالک اروپا حکمفرمایی نماید. دوره های طایفه و قبیله و شهر و مملکت همه سپری گشته و در جهان امروزی که شرق و غرب و جنوب و شمال بهم مرتبط گردیده و پنج قاره عالم بصورت یک مملکت درآمده لابد بر این است که یک حکومت جهانی که برتر از حکومت ملی باشد بوجود آمده تمام عالم را در برگیرد. دراین صورت منابع ثروت بین همه کشورهای تقسیم خواهد شد و اختلافات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بتدریج از بین خواهند رفت و این نشانه بلوغ عالم انسانی خواهد بود. البته باید توجه داشت که مسئله حکومت جهانی که در سالهای اخیر بر سر زبانها افتاده و اهل عالم در گوشه و کنار راجع به آن صحبت می کنند موضوعی است که در حدود صد و سی سال پیش از طرف حضرت بهاءالله مؤسس دیانت مقدس بهائی مطرح گردید. در زمانی که دنیا در ظلمت جهل و نادانی قرار داشت و نوع انسان در بحر غفلت غوطه می خورد دیانت بهائی به قلبها امید بخشید و مسئله وحدت و حکومت جهانی را بمیان آورد. البته کیفیت تشکیل این دولت جهانی فعلاً معلوم نیست و بر اعضای بیت العدل اعظم است که در موقع مقتضی نقشه ای کامل از ایجاد چنین فدراسیون عمومی تهیه نموده و به مرحله اجراء در آورند.

موضوع بسیار مهمی که باید در اینجا خاطر نشان ساخت این است که در نظام بهائی مذاهب و مرام های مختلف بهیچوجه مورد تجاوز قرار نمی گیرند و تمام ساکنین روی زمین از آزادی کامل برخوردار خواهند بود. بشرط اینکه این آزادی در چهار چوب مقررات و قوانین عمومی باشد. بهائیان هرگز نمی خواهند که با توسل به زور به اهداف خود نائل گردند. در عرض صد و پنجاه سال گذشته پیروان حضرت بهاءالله بهیچوجه در مقابل ظلم ها و سختی هایی که متحمل شده اند مقاومتی از خود نشان نداده اند بلکه پیوسته با لطف و مهربانی با مخالفین خود رفتار کرده اند. در نظام بهائی حقوق تمام دسته ها و مرامهای مختلف عالم محفوظ خواهد بود و بیت العدل اعظم که بزرگترین مرکز قانون گذاری

بهای است خود را تنها نماینده بهائیان نمی داند بلکه این هیأت نماینده تمام جمعیت های روی زمین است و از همه طبقات و مرامها پشتیبانی می کند. بهائیان عالم طبق دستورات صریحه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء همیشه طرفدار صلح و صفا و آرامش و اتحاد بوده اند و بهیچوجه به وسائل خصمانه متشبث نخواهند شد. هر نوع جنگ و خونریزی و یا مقاومت مسلحانه در مقابل اعداء با روح وحدت و معاضدت که اساس تعالیم بهائی است مغایرت تام دارد. حضرت بهاء الله می فرمایند: «نزاع و جدال شأن درندگان ارض بوده و هست و اعمال پسندیده شأن انسان». همچنین می فرمایند: «عاشروا مع الادیان کُلِّها بالروح والرَّیحان» (با پیروان کلیه مذاهب با سرور و خلوص کامل معاشرت کنید).

به این ترتیب با بوجود آمدن حکومت جهانی بهائی صلح کامل برقرار خواهد شد و محاربه و مناقشه بین ملت ها از بین خواهد رفت. در مورد اهمیت این نظام حضرت بهاء الله در کتاب اقدس چنین می فرمایند: «قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم واختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه»

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است:

«تعداد سیستم های موجود در عالم تحت اثرات عمیق و پر شکوه این نظم بدیع اعظم مضطرب گشته و زندگی و نظم معمولی انسان توسط این سیستم اعجاب انگیز که مثل و شبه آن را بشر بچشم ندیده منقلب و واژگون شده است.»

البته باید توجه داشت که در نظام بهائی آزادی برای همه افراد وجود دارد مشروط به اینکه با مقررات مخالفت نداشته باشد. آزادی باید در حدود تعالیم الهی باشد زیرا حریت تامه باعث هزاران ناراحتی و گرفتاری خواهد شد. حضرت بهاء الله در کتاب اقدس می فرمایند:

«قُلْ الحرّیة الّتی تنفعکم أنّها فی العبودیة لله الحق» (بگو آن آزادی که

بشما نفع می رساند عبارت است از عبودیت خداوند)

و باز می فرمایند: «قُلْ الحرّیة فی اتّباع اوامری» (بگو که آزادی عبارت

است از تبعیت از دستورات من).

ایضاً در همان کتاب می فرمایند: «إِنَّ الْحَرِيَّةَ تَنْتَهِي عَوَاقِبَهَا إِلَى الْفِتْنَةِ الَّتِي لَا تَخْمَدُ نَارَهَا» (در حقیقت حریت تامه منتهی به فتنه و آشوبی می شود که آتشش را هیچ چیزی نمی تواند خاموش کند)
در مورد حکومت جهانی حضرت ولی امرالله در لوح مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ میلادی چنین می فرمایند:

« یک نوع حکومت فوق حکومتها بایستی بوجود آید که بنفع آن کافه دول دنیا طوعاً حق مبادرت به جنگ را تفویض و برخی از اختیارات خویش را در وضع مالیات تسلیم و تمام حقوق حقّه خود را در مورد داشتن اسلحه به استثنای آنچه که جهت حفظ انتظام داخله هر یک از دول مربوطه لازم باشد واگذار نمایند. مدار چنین حکومتی بایستی شامل قوه مجریه بین المللی باشد که در مقابل سرپیچی هر کدام از اعضای اتحادیه قادر باشد سلطه و اقتدار کامل و غیرقابل مقاومت خود را تنفیذ نماید. مجلس شورای دنیایی که اعضای آن از طرف جمهور ناس در ممالک مختلفه منتخب و بوسیله حکومتات مربوطه تأیید شود، محکمه کبری که قضاوتش واجب الاتباع باشد حتی در مواردی که طرفهای دعوی بمحکمه مزبوره طوعاً مراجعه ننمایند، جامعه عالمگیری که در آن کلیه موانع اقتصادی همواره زائل و روابط ضروریه متقابله بین دو طبقه سرمایه داران و کارگران بطور قطع تشخیص و داد و فریاد و تعصب و جدال مذهبی تا ابد مسکوت و آتش خصومت جنسی عاقبت خاموش و قوانین بین المللی که نتیجه قضاوت دقیق نمایندگان ملل متحده دنیاست بصورت واحده جمع آوری و تدوین شود و بوسیله مداخله فوری و قهری قوای مجتمعه عناصر متحده مختلفه تنفیذ گردد و بالاخره جامعه ای که در آن شدت و حدت ملت پرستی بوالهوسانه و جنگجویانه به حس فنا ناپذیر ملیت دنیایی تبدیل یابد این است مجملات کیفیت نظم موعود حضرت بهاءالله که سرانجام ابهی ثمره عصری محسوب خواهد شد که بمرحله بلوغش بتدریج نزدیک می شویم ...»

همچنین در لوح مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ چنین می فرمایند:
«... در نظر جمال قدم جل اسمه الاعظم وحدت نوع بشر مستلزم اتحادیه
عمومی خواهد بود که در ظل آن کلیته نژادها و جمیع عقائد و طبقات
پیوسته ممزوج و متحد بوده استقلال هر یک از ممالک عضو آن و
همچنین آزادی اشخاص و ابتکار افراد تابعه آن ممالک قطعاً و کاملاً
تأمین گردد. در حدود تصورات ما این اتحادیه بایستی شامل هیأت مقننه
عمومی باشد که اعضای آن چون امنای کلیه ابنای بشر در جمیع منابع
ثروت ممالک تابعه نظارت نموده قوانین لازم از برای تمشیت امور حیاتی
و رفع احتیاجات و تنظیم روابط جمیع ملل و اقوام وضع خواهد نمود
هیأت تنفیذیه عمومی مستظهر به قوه ای بین المللی تصمیمات متخذه در
هیأت تقنینیه و قوانین موضوعه آن را اجراء نموده وحدت اتحادیه را
تأمین خواهند کرد...»

حل مشکلات اقتصادی و تعدیل معیشت عمومی

مسئله ای که امروزه بیش از هر چیز در عالم باعث اختلاف، دو دستگی و انشقاق گردیده موضوع اقتصاد است. عده معدودی بخصوص در ممالک غنی و صنعتی در کمال راحت زندگی می کنند در حالی که میلیونها نفر از داشتن جزیی ترین وسایل زندگی حتی خوراک روزانه محرومند و دسته دسته در اثر فقر و مرض به هلاکت می رسند. با اینکه بشر به ترقیات زیادی در زمینه علوم و صنایع دست یافته و وسایل و ابزار فراوانی در رشته های طب و جراحی و موصلات و غیره اختراع گشته و منابع زیرزمینی بسیاری بهره برداری شده است باز اختلاف فاحشی بین طبقه فقیر که قسمت اعظم مردم کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهد و طبقه غنی که اکثراً در ممالک مترقی زندگی می کنند وجود دارد که باعث تأسف فراوان است.

متأسفانه رژیم های اقتصادی موجود در اثر افراط و تفریط های بی مورد نه تنها نتوانسته اند اشکالات را حل و فصل نمایند و منابع ثروت را عادلانه بین ابناء بشر تقسیم کنند بلکه بر ناراحتی ها و ناملايمات آدمی افزوده اند.

قبل از اینکه دستورات دیانت بهائی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی بیان کنیم نظری به دو نظام اقتصادی عالم گیر که در حال حاضر بیشتر از سایر انظمه اقتصادی گسترش دارد و دو مرام متضاد و افراطی بشمار می رود می اندازیم تا عیوب و نواقص آنها بخوبی واضح و مبرهن گردد.

سیستم کمونیستی: چون در رژیم کمونیستی همه فعالیت ها در دست دولت است قوه ابداع و ابتکار افراد جامعه از بین می رود.

کمونیست ها فقط طرفدار و پشتیبان یک گروه از مردم یعنی طبقه کارگر هستند و به سایر طبقات اجتماعی توجهی ندارند.

کمونیستی بذاته یک نظام دیکتاتوری است زیرا بدون هیچ گونه رحم و انصاف با طبقه کارفرما به مخالفت برخاسته و با استفاده از اسلحه بر جامعه حکم فرمایی می کند و این عقیده را خود کمونیست ها دیکتاتوری پرولتاریا نام گذاشته اند و ما قبلاً درباره مزار و عیوب دیکتاتوری بحث نمودیم.

در مرام کمونیستی چون مالکیت و تولید در دست دولت است و چون در زمینه تولید افراد نمی توانند آزادانه فعالیت کنند اساس رقابت که اصل اساسی در ایجاد کالاهای بهتر و مفیدتر بوده و باعث ترقی و توسعه جامعه می شود بکلی از بین می رود.

کمونیستی که در اصل یک مرام اقتصادی است به سهولت به یک نظام سیاسی تبدیل می شود که با میل به توسعه طلبی و جهان گیری باعث تصادم های بین المللی می گردد.

در رژیم کمونیستی مبادی اخلاقی و عواطف عالیه مانند همدردی، مساعدت، نوع دوستی، فداکاری و از خودگذشتگی و بسیاری دیگر از صفات عالیّه بشری تابع حکم دیکتاتوری طبقه کارگر است.

در نظام کمونیستی آزادی فکر و عقیده و گفتار از بین می رود و هر شخصی که بغیر از افکار کمونیستی داشته باشد مبعوض و منحرف شمرده می گردد.

سیستم کمونیستی با افکار مذهبی و روحانیت بشدت مخالفت می ورزد زیرا مارکس می گوید که دین تریاک اجتماع است. کمونیست ها طرفدار مطلق ماتریالیسم هستند و خود آنها این موضوع را ماتریالیسم دیالکتیک می نامند.

در رژیم کمونیستی (و همچنین در نظام سوسیالیستی بمقدار کمتر) همه امور حتی خدمات عمومی از قبیل ترانسپورت، برق، گاز، تلفن، تلگراف، آب و بانکداری در دست دولت است و بدین ترتیب یک نوع Monopoly بوجود می آید. در چنین حالی رؤسا و مدیران چون منافع شخصی ندارند آن دلسوزی و توجهی را که صاحبان صنایع خصوصی در ممالک غیرکمونیستی از خود نشان می دهند ابراز نمی دارند. این است که این قبیل صنایع همیشه در حال رکود است. به همین دلیل ملاحظه کردیم که بعد از پایان جنگ جهانی دوم کشورهای اروپای شرقی که تحت نفوذ کمونیزم بودند آن توسعه و ترقی ممالک اروپای غربی را حاصل نکردند و بالاخره مجبور شدند که خود را از زیر یوغ کمونیزم نجات دهند. در رژیم های سوسیالیستی هم امروزه تمایل بر این است که صنایع ملی شده بیشتر جنبه خصوصی پیدا کند.

کمونیسست ها معتقد به ارزش اضافی هستند. آنها کارگر را بر سایر عوامل تولید (زمین، سرمایه و کارفرما) ترجیح می دهند و می گویند که تفاوت بین بهای مواد خام که در کارخانه تبدیل به کالای استهلاکی شده و قیمت بازار آن کالا در اثر رنج و زحمت کارگر بوجود آمده در صورتی که سایر عوامل تولید یعنی سرمایه و کارفرما هم در تولید کالا مؤثر بوده و این ارزش اضافی تنها به کارگر تعلق ندارد.

در مرام کمونیستی مقدار تولید و مصرف توسط اولیای امور قبلاً تنظیم می شود (که این را Planned Economy می گویند) و این بزرگترین اشکال سیستم کمونیستی است زیرا عقل سلیم می گوید که باید مقدار تولید و مقدار مصرف را آزاد گذاشت تا خود را با احتیاجات جامعه تطبیق دهد (Free Economy). تجربه ثابت کرده که اقتصاد تنظیم شده شکست خواهد خورد کما اینکه دولت روسیه که مهد سیستم کمونیستی بود و نیز سایر کشورهای اروپای شرقی بعد از سالها آن را ترک کرده و اقتصاد آزاد را پذیرفتند.

سیستم سرمایه داری: سرمایه داری معمول در کشورهای غرب نیز مضار و

عیوب فراوانی دارد که ما فقط به چند عدد از آنها اشاره می‌کنیم: در رژیم سرمایه داری هر کس به فکر ازدیاد وسایل آسایش خویش است زیرا اصل و اساس بهره برداری بیشتر و منفعت زیادت است. سرمایه داری نقطه مقابل کمونیستی است و یک مرام افسراطی بشمار می‌رود. در نظام سرمایه داری حرص و طمع زیاد می‌شود و اصول اخلاقی پایمال و مضمحل می‌گردد.

در رژیم سرمایه داری عده‌ای محدود در رفاه و آسایش بسر می‌برند و بسیاری از مردم دچار فقر و تنگدستی می‌شوند و در نتیجه همین موضوع جنایات مختلفی از قبیل دزدی و آدم‌کشی و سایر تباهاکاریها زیاد می‌شود. کمالینکه در کشورهایی که در چند سال اخیر رژیم کمونیستی را رها کرده و به رژیم سرمایه داری ملحق شدند میزان جنایات بطور قابل مقایسه‌ای ازدیاد یافته است.

چون سرمایه دار می‌خواهد که تا حد امکان سود و منفعت خویش را زیاد کند این است که بعضی از آنها به هر کاری از قبیل دادن رشوه و احتکار و جعل و تزویر و تهدید و تطمیع و سایر عملیات غیرانسانی دست می‌زنند.

در رژیم سرمایه داری غالباً کارفرما سعی می‌کند که طبقه کارگر را حتی المقدور استثمار کرده و در مقابل کار زیادتر مزد کمتری پرداخت کند و این باعث ایجاد دشمنی بین کارگر و کارفرماست.

در رژیم سرمایه داری مشکل می‌توان ثروت را عادلانه بین افراد تقسیم کرد زیرا ثروت اکثراً در دست سرمایه دار متمرکز می‌شود.

ما همه بخوبی شاهد بودیم که شرکت‌های بزرگ تولید کننده سیگار در کشورهای غربی در عرض چند دهه‌ی اخیر چگونه با آگهی‌های تجارتي توده‌های مردم را بخرید و مصرف سیگار تشویق نمودند و اخیراً که دول مربوطه اقدامات مُجدّانه‌ای برای جلوگیری از مصرف سیگار به عمل آورده‌اند بخوبی ملاحظه می‌شود که این کمپانی‌ها عملیات خود را بروی کشورهای جهان سوم متمرکز کرده‌اند.

نظر دیانت بهائی درباره مشاغل اقتصادی

دیانت بهائی طرفدار یک نوع سرمایه داری مشروط است که تحت کنترل و مدآقه باشد. این سیستم مخلوطی از سرمایه داری و سوسیالیزم غیر افراطی بین المللی است که بر پایه مبانی روحانی استوار می باشد. در دیانت بهائی اصل مالکیت فردی و شرکت افراد در تولید و توزیع و فروش به رسمیت شناخته شده به شرطی که از حد معتدل تجاوز نکند. محافل روحانیه ملی در هر کشور و بیت العدل اعظم در سطح جهانی با توجه به احکام و نصوص این دیانت خود را حامی و پشتیبان همه طبقات می دانند به همین دلیل این مؤسسات که مسئول قانون گذاری هستند توجهی خاص به فقراء نموده و حتی الامکان از افراط و تفریط و سوء استفاده های طبقه سرمایه دار جلوگیری خواهند کرد.

محافل ملی و بیت العدل اعظم همواره نگهبان و حامی و مجری تعالیم مقدسه دیانت بهائی هستند و تعالیم بهائی در زمینه اقتصاد طرفدار مساعدت و کمک به فقراء و حمایت از ضعفاء است به همین دلیل قوانینی وضع نموده است که در ضمن احترام به اصل مالکیت فردی از فقراء و ملل بی چیز حمایت می نماید.

البته اشکالات اقتصادی فقط با توزیع عادلانه ثروت حل نخواهد شد و اقدامات زیادی لازم است که در این زمینه به عمل آید. لکن اسّ اساس قوه تقنینیه است. اگر مرکز قانون گذاری بر اساس اصول صحیح و پایه متین بوجود آید و از نفوذ غیرعاقلانه دسته های مختلف مصون ماند قوانین وضع شده همه عادلانه خواهد بود و متخصصین اقتصاد زیر نظر مرکز قانون گذاری با توجه به احکام و قوانین اقتصادی و بدون اینکه تحت تأثیر دسته های مخالف قرار گیرند به حل مشکلات اقتصادی خواهند پرداخت.

علاوه بر این وقتی حکومت جهانی که منتهی آرزوی اهل بهاست بوجود

آید و کره ارض بیک اتحادیه بزرگ مبدل شود منافع اقتصادی بی شماری حاصل خواهد شد. موانع گمرکی بتدریج از بین خواهد رفت و جنگهای اقتصادی و تجاری پایان خواهد یافت. بازار بزرگ مشترکی بوجود خواهد آمد که در آن صادرات و واردات کالاها و خدمات تابع احتیاجات اقتصادی خواهد بود نه قوانین وضع شده در پارلمانهای دنیا و از نظر انتقال پول و سرمایه گذاری و هجرت و حرکت نیروی انسانی و طبقه کارگر از کشوری به کشور دیگر تسهیلات فراوانی بوجود خواهد آمد که خود باعث از بین رفتن بسیاری از گرفتاریهای اقتصادی است. در این صورت تجارت سهل تر خواهد شد و پول واحدی بوجود خواهد آمد و یک بانک مرکزی جهانی تشکیل خواهد شد که در نتیجه فشار اقتصادی را از دوش ملل ضعیف متدرجاً برخواهد داشت.

یکی از مشکلات اقتصادی آنست که دول صنعتی و غنی مواد خام و مواد اولیه را از کشورهای جهان سوم به بهای بسیار نازل خریداری کرده و محصولات صنعتی خود را به قیمت گزاف به آن کشورها می فروشند. وقتی بازار مشترک جهانی بوجود آید و همه کشورهای از ممالک صنعتی و غیرصنعتی عضو این بازار گردند این مشکل نیز با اتخاذ سیاستهای عادلانه حل خواهد شد و کشورهای موسوم به جهان سوم که غالباً فقیر و غیرصنعتی هستند از زیر فشار اقتصادی بیرون خواهند آمد. به همین ترتیب سطح زندگی عمومی بالا خواهد رفت، رشد اقتصادی زیاد خواهد شد و درآمد سرانه افراد افزایش خواهد یافت.

طبق سیستم بهائی آن دسته از رقابت های غیرعاقلانه و مخرب در بین کشورها که باعث کندی کار و مانع پیشرفت اقتصادی است از بین می رود و هر کشوری سعی می نماید که قوای خود را متمرکز در تولید کالاهایی نماید که در آن تخصص دارد و بهتر و ارزان تر برایش تمام می شود. بدین ترتیب سطح تولید بین المللی بی اندازه بالا خواهد رفت و در نهایت امر این جریان بنفع تمام دول عالم منتهی خواهد شد (اصل مهم اقتصادی موسوم به Comparative Advantage یا Relative Efficiency)

در نظر دیانت بهائی وحدت فقط جنبه سیاسی و دینی ندارد بلکه این اتحاد و یکرنگی در همه شئون زندگی بشری از جمله مواضع اقتصادی و تجاری و مالی مؤثر خواهد بود و در نهایت به نفع تمام ساکنین کره ارض خواهد بود.

موضوع مهم دیگر توزیع منابع ثروت است. وقتی وحدت حقیقی بوجود آید و دول عالم اقدام به تشکیل فدراسیون عمومی نمایند منابع زیرزمینی به هر کشوری به اندازه احتیاجات آن صادر خواهد شد. در این صورت از افراط و تفریط در امر صادرات و واردات جلوگیری به عمل خواهد آمد. به همین ترتیب تمام منابع ثروت عادلانه بین کشورها پخش خواهد شد و همه از مواهب طبیعی حتی الامکان استفاده خواهند کرد.

نکته مهم دیگر این است که اعضای بیت العدل اعظم جهانی نمایندگان تمام مردم دنیا می باشند نه یک کشور بخصوص حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس در مورد وظایف اعضای بیت العدل می فرماید:

«قد كتب الله على كلِّ مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل و يجتمع فيه النفوس على عدد البهاء و ان ازداة لآبأس و يرون كأنهم يدخلون محضرالله العلى الاعلى و يرون من لايرى و ينبغى لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان و وكلاءالله لمن على الارض كلها و يشاوروا فى مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون فى امورهم ويختاروا ما هوالمختار كذالك حكّم ربكم العزيز الغفار.»

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است (خداوند دستور داده که در هر شهر بیت العدلی تأسیس شود که در آن اعضایی به تعداد ۹ نفر اجتماع کنند و اگر زیادتر از این حد شد اشکالی ندارد. آنها باید خود را در محضر خداوند علی اعلى ببینند و کسی را که مشهود نیست (پروردگار) را در بین خود ملاحظه کنند. شایسته است که آنها خود را وکیل و نماینده خداوند در بین مردم بدانند و در مصالح عباد مشورت کنند همانطوری که در امور خود مشورت می کنند و آنچه را که شایسته است انتخاب نمایند. این چنین حکم کرده است برای شما پروردگار عزیز و

غفار.»

در دیانت بهائی دستورات اخلاقی بیشماری هست که افراد بشر را به نوع دوستی و کمک به فقراء و پشتمانی از ضعفا دعوت می نماید.

حضرت بهاءالله در کتاب کلمات مکتونه می فرمایند:

«ای برادران با یکدیگر مدارا نمائید و از دنیا دل بردارید. به عزت افتخار ننمائید و از ذلت ننگ مدارید. قسم بجمال که کُل را از تراب خلق نمودم و البته بخاک راجع فرمایم.»

و همچنین می فرمایند: «ای پسران تراب اغنیاء را از ناله سحرگاهی فقراء اخبار کنید که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدره دولت بی نصیب مانند.»

و نیز می فرمایند: «ای سازج هوی حرص را باید گذاشت و به قناعت قانع شد زیرا که لازال حریص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول»

باز در کلمات مکتونه می فرمایند: «ای مغروران به اموال فانیه بدانید که غناء سدی است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق. هرگز غنی بمقر قرب وارد نشود و به مدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلیلی. پس نیکوست حال آن غنی که غناء از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی محرومش نگرداند. قسم باسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بنخشد چنانچه شمس اهل زمین را.»

ایضاً می فرمایند: «ای اغنیای ارض فقرا امانت منند در میان شما پس امانت مرا درست حفظ نمائید و براحث نفس خود تمام نپردازید.»

در قسمت دیگر این کتاب می فرمایند: «ای فرزند هوی از آلائش غناء پاک شو و با کمال آسایش در افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقاء از عین فناء بیاشامی.»

بعضی از تعالیم بهائی درباره اقتصاد

۱- در دیانت بهائی دستور داده شده که کارگران باید در سود و منفعت

کارخانه و یا مؤسسه ای که در آن کار می کنند شرکت کافی و مستمر داشته باشند و چند درصد از سهام کارخانه و یا مؤسسه به کارگر تعلق داشته باشد. (وقتی کارگران در سهام کارخانه شریک باشند سعی می نمایند که تولید کارخانه را بالا برند که در نتیجه سود بیشتری حاصل می گردد و از طرف دیگر از تعداد اعتصابات کارگران به مقدار قابل ملاحظه ای کاسته خواهد شد. فی الواقع یک نوع اتحاد و اشتراک منافع بین کارگر و کارفرما بوجود خواهد آمد که نتیجه آن بنفع هر دو طرف خواهد بود.)

حضرت عبدالبهاء ضمن بیانات مبارک می فرمایند:

«این مسئله اشتراکیون بسیار مهم است و به اعتصاب مزدوران حل نخواهد شد. باید جمیع دولت متحد شوند و یک مجلسی قرار دهند که اعضاء آن از پارلمانهای ملل و اعیان منتخب گردد و آنها در نهایت عقل و اقتدار قراری دهند که نه مالیون ضرر زیادی بکنند و نه عمله ها محتاج باشند. در نهایت اعتدال قانونی بنهند بعد اعلان کنند که عمله ها حقوقشان در تحت تأمینات محکم است و همچنین حقوق مالیون حفظ می شود و چون این قرار عمومی به رضایت هر دو طرف مجری گردد اگر اعتصابی اتفاق افتد جمیع دول عالم بالتامام مقاومت کنند والا کار بخرابیهای زیاد می کشد. علی الخصوص در اروپا معرکه خواهد شد و از جمله یکی از اسبابهای حرب عمومی در اروپا همین مسئله است. مثلاً اصحاب اموال یکی معدن دارد. یکی فابریقه دارد. اگر ممکن باشد صاحبان معادن و فابریقه در منافع با کارگران شریک باشند. معتدلانه از حاصلات صدی چند به عمله جات بدهند تا عمله غیر از مزد نصیبی نیز از منافع عمومی کارخانه داشته باشد تا بجان در کار بکوشد در آینده احتکار باقی نمی ماند. مسئله احتکار بکلی بهم می خورد و همچنین هر فابریقه که ۱۰۰۰۰ سهم دارد از این ۱۰۰۰۰ سهم از منافع ۲۰۰۰ سهم را به اسم کارگران نماید که مال آنها باشد و باقی مال مالیون بعد آخر ماه یا سال هر چه منفعت می شود بعد از مصارف و مزد برحسب عدد

اسهام در میان هر دو طرف تقسیم کنند.. فی الحقیقه تا بحال خیلی ظلم به عوام شده باید قوانینی گذارد زیرا کارگران ممکن نیست به اوضاع حالیه راضی شوند. هر سال و هر ماه اعتصاب کنند و آخر الامر ضرر مالیون است».

۲- قانون ارث چنین است که چنانچه متوفی وصیت نامه ای ننوشته باشد ۷ گروه از آن بهره می برند و ارثیه به یک یا دو نفر نمی رسد. بنابراین اموال زیادی که از سرمایه داران بعد از فوتشان باقی می ماند خورد می شود و بین ۷ دسته بشرح زیر تقسیم میشود:

اولاد ۱۸ سهم، شوهر یا زن ۶/۵ سهم، پدر ۵/۵ سهم، مادر ۴/۵ سهم، برادر ۳/۵ سهم، خواهر ۲/۵ سهم، معلم ۱/۵ سهم.

۳- طبق تعالیم بهائی مالیات بر عایدات به تناسب بالا می رود و از تمرکز سرمایه در دست سرمایه داران جلوگیری بعمل می آورد. بدین ترتیب طبقه ضعیف کمتر مالیات می پردازد و طبقه غنی بیشتر.

۴- حضرت عبدالبهاء در لوح اقتصاد چنین می فرمایند: «در خصوص مسئله اقتصادی که بموجب تعالیم جدید است از برای شما مشکل فکری حاصل شده بود. بیان چنان نبود ولی روایت چنین گشته لهذا اساس مسئله را از برای شما بیان می کنم تا واضح و مبرهن شود که این مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حل تام نیابد بلکه ممتنع و محال و آن اینستکه این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتداء نمود تا منتهی به اصناف دیگر گردد. زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است. لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتداء شود و دهقان اول عامل است در هیأت اجتماعی. باری در هر قریه ای باید که از عقلاء آن قریه انجمن تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد و همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن به معرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین بجهت آن مخزن گرفته شود. این مخزن ۷ واردات دارد. واردات عشریه، رسوم حیوانات، مال بی وارث، لفته یعنی چیزی که یافته می شود و صاحب نداشته باشد،

دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع باین مخزن است، معادن ثلثش راجع باین مخزن است و تبرعات خلاصه ۷ مصرف دارد. اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحت عمومی، ثانی ادای عشر حکومت، ثالث ادای رسوم حیوانات بحکومت، رابع اداره ایتام، خامس اداره اعاشه عجزه، سادس اداره مکتب، سابع اکمال معیشت ضروریه فقراء.

اول واردات عشر است و آن باید چنین گرفته شود. مثلاً ملاحظه می شود که یک نفر واردات عمومی اش ۵۰۰ دلار است و مصارف ضروریه اش ۵۰۰ دلار. از او چیزی عشر گرفته نمی شود. شخص دیگر مصارفش ۵۰۰ دلار است ولی وارداتش ۱۰۰۰ دلار از او عشر گرفته می شود زیرا زیادت از احتیاجات ضروریه دارد اگر عشر بدهد در معیشتش خللی وارد نگردد و دیگری مصارف او ۱۰۰۰ دلار و وارداتش ۵۰۰۰ دلار از او یک عشر و نصف گرفته می شود زیرا اضافه زیاد دارد. شخص دیگر مصارف لازم اش ۱۰۰۰ دلار و وارداتش ۱۰۰۰۰ از او دو عشر گرفته می شود زیرا اضافه زیادت دارد. شخص دیگر مصارف ضروریه چهار یا پنج هزار دلار است ولی وارداتش صد هزار. از او ربع گرفته می شود. دیگری حاصلاتش ۲۰۰ دلار است ولی احتیاجات ضروریه اش که قوت لایموت باشد ۵۰۰ دلار و در سعی و جهد قصوری ننموده ولی کشتش برکتی نیافته این شخص را باید از مخزن معاونت نمود تا محتاج نماند و براحت زندگانی نماید و در هر ده هر قدر ایتام باشد بجهت اعاشه آنان از این مخزن باید مقداری تأسیس نمود از برای عجزه ده باید مقداری تخصیص داد از برای نفوس از کار افتاده محتاج باید از این مخزن مقداری تخصیص نمود. از برای اداره معارف مقداری از این مخزن باید تخصیص نمود. از برای صحت اهل ده از این مخزن باید مقداری تخصیص نمود و اگر چیزی زیاد بماند آنرا باید نقل به صندوق عمومی ملت بجهت مصارف عمومی کرد. چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هیأت اجتماعیه در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند. در مراتب ابدأ خللی واقع نگردد زیرا مراتب از لوازم ضروریه هیأت

اجتماعیه است. هیأت اجتماعیه مانند اردو مارشال لازم، جنرال لازم، کُنل لازم، کاپیتان لازم و نفر لازم. ممکن نیست که کل صنف واحد باشد. حفظ مراتب لازم است ولی هر فردی از افراد اردو باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نماید. و همچنین شهر را والی لازم، قاضی لازم، تاجر لازم، غنی لازم، اصناف لازم و زارع لازم است. البته این مراتب باید حفظ شود و الا انتظام عموم مختل گردد.»

۵- در دیانت بهائی اشتغال بکار امری اجباری است و جزو عبادت محسوب می گردد. بنابراین شخص بهائی نباید سعی کند که عاطل و باطل مانده و زندگی خود را از جیب دولت تأمین نماید.

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس می فرمایند: «قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع والاقتراف وامثالها وجعلنا اشتغالکم بها نفس العبادۃ لله الحق تفکروا یا قوم فی رحمة الله و الطافه ثم اشکروه فی العشی والاشراق. لاتضعوا اوقاتکم بالبطالة والکسالة واشتغلوا بما ینتفع به انفسکم وانفس غیرکم» مضمون آیه مبارکه چنین است (لازم است بر هر فردی از شما که بکسب و یا صنعتی اشتغال داشته باشید و قرار دادیم اشتغال و کار شما را نفس عبادت نزد پروردگار. فکر کنید ای قوم در رحمت و الطاف پروردگار و هر شب و روز شکرگزار باشید. اوقات خود را به بطالت و کسالت مگذرانید بلکه به آنچه که بشما و دیگران منفعت می رساند مشغول باشید).

۶- تکدی یعنی گدایی امری حرام است. همچنین کمک کردن به کسانی که تکدی می نمایند مذموم بشمار می رود. در کتاب اقدس می فرمایند: «لایحل السؤال ومن سئل حرّم علیه العطاء. قد کتب علی الکل ان یکسب والذی عجز فللوکلا والاغنیاء ان یعینوا له ما یکفیه» مضمون آیه مبارکه چنین است (تکدی و گدائی حرام است اگر کسی به این امر اقدام کرد بخشش به او نیز حرام شده است. نوشته شد بر هر نفس که بکسب و کاری مشغول باشد و کسی که از این امر عاجز است پس وظیفه نمایندگان بیت العدل و ثروتمندان است که به او کمک کنند به اندازه احتیاجاتش).

مبادی روحانی دیانت بهائی

احکام و مبادی دیانت بهائی که مبنای مشاورات بیت العدل است و بهیچوجه قابل تغییر نمی باشد بسیار است. ذیلاً بعضی از مبادی مهمه که ارتباط مستقیم با نظام جهانی بهائی دارد شرح داده می شود.

۱_ وحدت عالم انسانی

مهمترین تعلیم دیانت بهائی و اساس معتقدات اهل بهاء وحدت عالم انسانی است. تمام مردم روی زمین از هر نژاد و طایفه و ملت بطور کلی مساوی خلق شده اند و باید دارای حقوق مساوی باشند. خداوند تمام افراد بشر را از روی محبت آفریده و لطفش شامل تمام انسانها بوده است. مانند خورشید که به همه کائنات افاضه می نماید. ما همه از گوشت و پوست و استخوان و عصب و عضله ساخته شده ایم، همه دارای یک نوع حواس هستیم، همه صاحب عقل می باشیم و اگر اختلافی مشاهده می شود این در اثر تربیت است. اگر ملل در حال توسعه هم امکانات ملل راقیه را داشته باشند آنها هم خواهند توانست در علوم و فنون و تکنولوژی ترقیات سریعه حاصل نمایند. وحدت عالم انسانی نه تنها امری است ضروری و غیرقابل اجتناب بلکه در نهایت بنفع کلیه طبقات و ملتها خواهد بود.

حضرت بهاءالله در لوح مقصود می فرمایند: «ای اهل عالم سراپرده

یگانگی بلند شد بچشم بیگانگی همدیگر را مبینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار»

به موجب تعالیم بهائی انسان باید همه دنیا را وطن خود بداند و با همه افراد و ملل به نیکی رفتار نماید. حضرت بهاء‌الله در این باره در کلمات فردوسیة می فرمایند:

«لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم» مضمون بیان مبارک چنین است (فخر در آن نیست که آدمی وطن خود را دوست داشته باشد بلکه فخر در آنستکه انسان بتمام عالم علاقه داشته باشد) زمانی بود که دوره طایفه بود بعد دوران شهر و شهرستان رسید، سپس دوران ملت های مختلف بوجود آمد ولی امروز روز وحدت تمام عالم است.

در دیانت بهائی هر گونه نژادپرستی و تبعیض مذموم است و باید بین تمام ملل صلح و صفای کامل برقرار شود. تا این دستور عملی نشود آرامش و اطمینان بین افراد ملل پیدا نخواهد شد.

حضرت عبدالبهاء در ضمن نطق مبارک در کالیفرنیا در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۱۲ میلادی چنین فرموده اند:

«چون اعظم تعالیم حضرت بهاء‌الله وحدت عالم انسانی است لهذا می خواهم از وحدت کائنات صحبت بدارم و این مسئله از مسائل فلسفه الهی است و واضح که جمیع موجودات یکی است و هر کائنی از کائنات عبارت از جمیع کائنات است یعنی کلّ شیئی در کلّ شیئی است. مثلاً ملاحظه کنید که کائنات از اجزاء فردیه ترکیب شده و این جوهر فردیه در جمیع مراتب وجود سیر دارند. مثلاً هر جزئی از اجزاء فردیه که در هیکل انسان است وقتی در عالم نبات بوده، وقتی در عالم حیوان و وقتی در عالم جماد. متصل از هر حالی بحالی و از صورتی بصورتی انتقال دارد و از کائنی به کائن دیگر در صور نامتناهی عرضاً و طولاً انتقال می نماید و در هر صورتی کمالی دارد. این سیر کائنات مستمر است لهذا هر کائنی عبارت از جمیع کائنات است نهایت اینست امتداد مدت لازم تا این جوهر فرد که در جسم انسان است در جمیع مراتب وجود سیر

و حرکت کند. یک وقت تراب بود، انتقالی داشت در صور جمادی بعد انتقال کرد به عالم حیوانی، حالا به عالم انسانی آمده است. در مراتب انسانی سیر می کند بعد بر می گردد به عالم جماد. همینطور در جمیع مراتب سیر می کند، در صور کائنات لایتنهای جلوه می نماید و در هر صورتی از صور کمالی دارد. در عالم جماد کمالات جمادی داشت، در عالم نبات کمالات نباتی داشت در عالم حیوانی کمالات حیوانی داشت و در عالم انسان کمالات انسانی دارد. پس واضح شد که هر جوهر فردی از کائنات انتقال در صور نامتناهی دارد و در هر صورتی کمالی. از این واضح شد که کائنات یکی است و عالم وجود واحد است. پس چون در وجود کائنات وحدت است دیگر معلوم است در عالم انسانی چه وحدتی است. این مبرهن است که وحدت اندر وحدت است. مبداء و منتهای وجود وحدت است. با وجود این وحدت عالم انسانی و جمیع کائنات آیا جائز است که در عالم انسانی نزاع و جدال باشد؟ با وجود آنکه اشرف کائنات است زیرا کمالات جمادی جسم دارد و کمالات نباتی قوه نامیه دارد و کمالات حیوانی قوای حساسه دارد و کمالات انسانی که عقل سلیم است. با وجود این وحدت عظیمه آیا جائز است که نزاع و جدال کند؟...»

همچنین در لوح صلح لاهه می فرمایند: «از جمله تعلیم حضرت بهاء الله وحدت عالم انسانی است. جمیع بشر اغنام الهی و خدا شبان مهربان. این شبان بجمیع اغنام مهربان است زیرا کل را خلق فرموده و پرورش داده و رزق و احسان می دهد و محافظه می نماید. شبهه ای نماند که این شبان بجمیع اغنام مهربان است و اگر در بین این اغنام جاهلانی باشند باید تعلیم کرد و اگر اطفالی باشند باید تربیت نمود تا ببلوغ رسند و اگر بیماری باشد باید درمان نمود نه اینکه کره و عداوتی داشت. باید مانند طبیب مهربان این بیماری های نادان را معالجه نمود ...»

البته در زمانهای گذشته بسیاری از مردم و احزاب و گروه های مختلف صحبت از وحدت عالم انسانی کردند و لکن بعد از مدتی آنچه ذکر نمودند فراموش شد و هرگز اقدام عملی در این زمینه بعمل نیامد. مثلاً وقتی

انقلاب کبیر فرانسه رخ داد و رژیم سلطنتی از بین رفت آزادی بوجود آمد انقلابیون بنوشتن قانون اساسی اقدام نمودند که در ابتدای آن صراحتاً ذکر گردیده که تمام افراد بشر از هر نوع و دسته و طبقه باید آزاد و مساوی باشند ولی کجا این مساوات بمرحله عمل درآمد و چه نیروئی توانست آن را عملی سازد؟

بر سر در عمارت پارلمان فرانسه هنوز شعار انقلابیون به شرح زیر دیده می شود:

Liberte, Egalite, Fraternite (آزادی، برابری، برادری) ولی در مدت این دوست سالی که از عمر انقلاب می گذرد هیچگاه وحدت بین افراد بوجود نیامد و برعکس در بسیاری از موارد خلاف آن ظاهر گردید.

دیانت بهائی که بنیان اصلی خود را بر پایه وحدت عالم انسانی قرار داده در این مدت کوتاه توانسته است جمع غفیری از نژادها و ملل مختلفه دنیا را در داخل یک خیمه و در زیر یک پرچم درآورد. بهائیان بشدیدالقی سعی می کنند تا وحدت عالم انسانی و آزادی و برابری بین تمام نوع بشر بوجود آید.

۲- ترک تعصبات

دیانت بهائی مخالف هر گونه تعصب است چه نژادی و چه ملی و چه مذهبی و چه اقسام دیگر. به عقیده اهل بهاء تعصب هادم بنیان انسانی است چه که حقیقت را زیر پا می گذارد.

هر نفسی باید به آزادی کامل به اندازه لیاقت و شایستگی خود و بقدری که قدرت او ایجاب می کند از مواهب این دنیا بهره برداری کند و زندگی آبرومندانه و شایسته ای داشته باشد خواه سفید و خواه سیاه باشد خواه زرد و خواه سرخ باشد. هیچ امری بیش از تعصب باعث بدبختی و عقب افتادگی جامعه بشر نخواهد شد. چه بسیار اطفال که دارای نبوغ ذاتی بوده اند ولی بواسطه رنگ پوست یا عوامل دیگر از تعلیم و تربیت کافی برخوردار نشده در عین تنگدستی و فقر بهلاکت رسیده اند. باید همه اطفال

از تعلیم و تربیت عمومی برخوردار گردند تا کره زمین بهشت برین گردد. در امر بهائی نه تنها تعصب محکوم گردیده بلکه دستور داده شده که به اقلیت های ملی و نژادی کمک بیشتری شود.

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس می فرمایند: «ایاکم ان تأخذکم حمیته الجاهلیه بین البریه. کل بداء من الله و یعودالیه» مضمون بیان مبارک چنین است: «مبادا شما را تعصب جاهلانه در برگیرد. همه از خدا آمده اید و همه بسوی او باز خواهید گشت.» همچنین می فرمایند: «لیس لاحد ان یعترض علی احد» (هیچ کس حق اعتراض بکس دیگر ندارد) حضرت عبدالبهاء ضمن نطق مبارک در پاریس در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی می فرمایند:

«حضرت بهاءالله می فرمایند این تعصبات هادم بنیان عالم انسانی است. اول نظر به اهل ادیان نمائید اگر اهل ادیان تابع خدا هستند و مطیع تعالیم الهی، تعالیم الهی امر می فرمایند ابدأ نباید تعصب داشت زیرا تعالیم الهی صریح است که باید نوع بشر با یکدیگر به محبت معامله بکنند و انسان هر قصوری هست در خود بیند نه دیگری و هرگز خود را ترجیح بدیگری ندهد زیرا حسن خاتمه مجهول است و نمی داند چه بسیار انسان در بدایت حال بسیار زکی بوده بعد منصرف از آن شده نظیر یهودای اسخریوطی در بدایت بسیار خوب و در نهایت بسیار بد شد و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح بود و در نهایت اعظم بنده مسیح. پس عاقبت حال انسان مجهول است در این صورت چگونه می تواند خود را ترجیح بر دیگری بدهد. لهذا باید که در بین بشر ابدأ تعصبی نباشد. نگوید که من مؤمنم و فلان کافر. نگوید که من مقرب درگاه کبریا هستم و آن مردود زیرا حسن خاتمه مجهول است ...»

حضرت ولی امرالله در یکی از الواح می فرمایند که اگر قرار است تبعیض وجود داشته باشد باید آن تبعیض بنفع اقلیتها باشد نه علیه آنها. مثلاً اگر در انتخاب رئیس و منشی محفل روحانی ۲ نفر رأی مساوی

آورند و یکی از آنها از اقلیتهای نژادی است باید آن کس که جزو اقلیت نژادی است انتخاب بشود.

۳- صلح عمومی

یکی دیگر از اصول عقاید اهل بهاء صلح عمومی است یعنی کلیه ملل دنیا باید با یکدیگر در کمال صلح و آرامش زندگی کنند و از جنگ و جدال بپرهیزند.

از این همه جنگهای مختلف که تاکنون بوقوع پیوسته چه نتیجه ای گرفته شده است و غیر از مصیبت و بدبختی چه چیزی حاصل گردیده؟ چه بسیار جوانها که کشته شدند و چه بسیار اطفال که بی پدر ماندند. مسئله جنگ و خونریزی امروزه صورت ویژه ای بخود گرفته زیر با اختراع بمب اتمی و سایر وسائل حربیه دیگر جنگ تنها در جبهه ها نخواهد بود بلکه همه شهرها و اماکن مسکونی مورد مهاجمه قرار خواهند گرفت. وسایل کشتار دسته جمعی چنان توسعه یافته که جنگ جدید ممکن است بکلی نسل بشر را از روی کره زمین منهدم سازد. آرزوی قدیمی بزرگان جهان یعنی "صلح عمومی" امروزه نه تنها ممکن و عملی بلکه مسئله ای غیرقابل اجتناب می باشد که بشریت بسرعت بسوی آن گام برمی دارد.

قبل از شروع جنگ بین المللی اول حضرت عبدالبهاء بکرات در نطق ها و خطابات خود در اروپا و امریکا دول دنیا را به ایجاد صلح و پرهیز از جنگ و خونریزی دعوت فرمودند لکن متأسفانه کسی به این انذارات توجه نکرد و در نتیجه چندین جنگ خطرناک و مهیب از جمله جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم بوقوع پیوست. متأسفانه با اینکه آثار مهلکه جنگ بر همگان واضح است ولی باز دول کوچک و بزرگ هر روزه بر بودجه نظامی خویش می افزایند و در فکر آن هستند که تسلیحات خود را روزبروز بیشتر و کاملتر نمایند. اگر جوهی را که تاکنون دول جهان در راه تسلیحات اتمی صرف کرده اند خرج عمران و آبادی نموده بودند امروزه تمام قاره آفریقا که گرفتار خشکسالی و قحطی است بهشت برین می شد و ریشه مریضی و فقر و فاقه بکلی از بین می رفت. از این گذشته

تسلیحات اتمی دیگر تعلق بکشورهای بزرگ ندارد بلکه ممالک کوچک و فقیر نیز در صدد آن هستند که بر بمب اتمی دست یابند. خوشبختانه در چند سال اخیر گامهای بلندی در راه ایجاد صلح برداشته شده و جنگ سرد پایان یافته است. در آفریقای جنوبی رژیم آپارتاید (Apartheid) مضمحل گشته و در خاورمیانه بین اعراب و اسرائیل و در اروپا بین ایرلند و انگلیس مذاکرات و اقدامات صلح جویانه بعمل آمده و اینک روزبروز زمینه برای ایجاد صلح عمومی بیشتر آماده می شود. حضرت بهاءالله در کتاب اشراقات می فرمایند: «اشراق دوم جمیع را به صلح اکبر که سبب اعظم است از برای بشر امر فرمودیم. سلاطین آفاق باید به این امر که سبب بزرگ است از برای راحت و حفظ عالم تمسک فرمایند.»

و نیز می فرمایند: «نزاع و جدال شأن درندگان ارض بوده و هست و اعمال پسندیده شأن انسان» همچنین در لوح ابن ذئب می فرمایند: «از حق جل جلاله سائل و آمل که مشارق ثروت و اقتدار و مطامع عزت و اختیار یعنی ملوک ارض ایده‌م الله را بر صلح اکبر تائید فرماید. این است سبب اعظم از برای راحت امم. سلاطین آفاق وفقهم الله باید به اتفاق به این امر که سبب اعظم است از برای حفظ عالم تمسک فرمایند. امید آنکه قیام نمایند بر آنچه که سبب آسایش عباد است. باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح باصلاح توجه کنند و اگر سلطانی بر سلطانی برخیزد سلاطین دیگر بر منع او اقدام نمایند. در این صورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه الا علی قدر مقدور بحفظ بلادهم و اگر به این خیر اعظم فائز شوند اهل مملکت کل براحت و مسرت به امور خود مشغول گردند و نوحه و ندبه اکثری از عباد ساکت شود...»

حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه می فرمایند: «... این حرب اخیر بر عالم و عالمیان ثابت کرد که حرب ویرانی است و صلح عمومی آبادی. حرب

مات است و صلح حیات. حرب درندگی و خونخواری است و صلح مهربانی انسانی. حرب از مقتضای عالم طبیعت است و صلح از اساس دین الهی. حرب ظلمت اندر ظلمت است و صلح انوار آسمانی. حرب هادم بنیان انسانی است و صلح حیات ابدی عالم انسانی. حرب مشابهت با گرگ خونخوار است و صلح مشابهت به ملانک آسمانی. حرب منازعه بقاء است و صلح تعاون و تعاضد بین ملل در این جهان و سبب رضایت حق در جهان آسمانی. نفسی نماند که وجدانش شهادت براین ندهد که الیوم در عالم انسانی امری اعظم از صلح عمومی نیست. هر منصفی براین شهادت می دهد...»

و در همان لوح می فرمایند: «از جمله تعالیم اعلان صلح عمومی بود. کسانیکه پیروی کردند از هر ملت و از هر دین و مذهب در نهایت محبت اجتماع نمودند بدرجه ای که محافل عظیمه تشکیل می شد که از جمیع ملل و ادیان شرق مرکب بود. هر نفسی داخل انجمن می شد می دید یک ملت است و یک تعلیم و یک مسلک است و یک ترتیب زیرا تعالیم حضرت بهاءالله منحصر در تأسیس صلح عمومی نبود. تعالیم کثیره بود که معاونت و تأیید صلح عمومی می نمود ...» «تعالیم حضرت بهاءالله چون ممتزج با صلح عمومی است لهذا به منزله مانده ای است که از هر قسم اطعمه نفیسه در آن سفره حاضر. هر نفسی مشتتهیات خود را در آن خوان نعمت بی پایان می یابد. اگر مسئله منحصر در صلح عمومی باشد نتایج عظیمه چنانچه منظور و مقصود است حصول نیابد. باید دایره صلح عمومی چنان ترتیب داده شود که جمیع فرق عالم و ادیان آرزوی خویش را در آن بیابند. حال تعالیم حضرت بهاءالله چنین است که منتها آرزوی جمیع فرق عالم چه از فرق دینی و چه از فرق سیاسی و چه از فرق اخلاقی چه از فرق قدیمه و چه از فرق حدیثه کل نهایت آرزوی خویش را در تعالیم حضرت بهاءالله می یابند ... این تعالیم قوه جامعه است در میان جمیع بشر و قابل الاجراء ...»

حضرت بهاءالله در کلمات فردوسیه می فرمایند: «لابد براین است مجمع

بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن اینست که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند. در این صورت عالم محتاج مهمات حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست الا علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم ... عنقریب جمیع اهل عالم به یک لسان و یک خط مزین. در این صورت هر نفسی بهر بلدی توجه نماید مثل آن است که در بیت خود وارد شده ... امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید. لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم. فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن.»

۴- تعلیم و تربیت اجباری و عمومی

دیگر از تعالیم حضرت بهاءالله تعلیم و تربیت اجباری و عمومی است. هر پدر و مادری باید فرزندان خود را به تحصیل و تعلیم وادارد و وسائل تحصیل آنها را فراهم سازد و چنانچه پدر و مادری قدرت مادی کافی نداشته باشند وظیفه بیت العدل است که وسائل لازمه را فراهم نموده و از صندوق خود مخارج تحصیل آنها را تأمین نماید.

البته امروزه در بسیاری از ممالک دنیا تعلیم و تربیت رایگان وجود دارد ولی این جریان جنبه اجباری و عمومی ندارد و چنانچه ابوبین در اعزام اطفال خود به مدرسه قصور ورزند دولت اقدامی بعمل نخواهد آورد لکن در سیستم بهائی دولت موظف است که کلیه اطفال را به تعلیم و تربیت وادارد و چنانچه پدر و مادر وظیفه اساسی خویش را فراموش کنند یا نخواهند فرزندان خود را به مدرسه اعزام دارند دولت باید امکانات لازمه را جهت فرستادن آنها به مدرسه فراهم نماید و مخارج مربوطه را از ابوبین چنانچه قدرت مالی داشته باشند اخذ نمایند.

وقتی حکومت جهانی تشکیل گردد یکی از وظایف مهمه این حکومت تعلیم و تربیت اطفال در سراسر عالم خواهد بود. در این صورت حکومت

بین المللی به حکومت های ملی در این امر مهم مساعدت خواهد نمود و میلیون ها طفل که امروزه مورد غفلت و فراموشی هستند از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار خواهند شد. اختلافی که اکنون بین ملل و نژادهای مختلف دیده می شود در اثر فقدان تعلیم و تربیت است. اگر اطفال سیاه پوست و یا سایر اقلیتهای نژادی نیز تعلیم و تربیت کامل یابند چه بسا ممکن است که گوی سبقت را از اطفال سفید پوست بریابند.

حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب مفاوضات سه اصل برای ایجاد شخصیت در آدمی قائل شده اند. اصل اول خواص ارثی است. اصل دوم خواص فطری است و اصل سوم خواص اکتسابی است که از راه تعلیم و تربیت حاصل می شود. صحیح است که تربیت فطرت آدمی و اصول ارثی را عوض نمی کند ولکن تأثیر کلی دارد. اگر باغبان اشجار باغ را رها سازد آنها اکثراً رشد کافی نکرده و ثمره مورد نظر بیار نخواهند آورد ولکن چنانچه از این اشجار مواظبت بعمل آید و در مواقع ضروری در دادن کود و غذا و آب اقدام شود درخت بی ثمر تبدیل به شجره بارور می گردد.

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند: «کتب علی کلّ اب تربیة ابنه و بنته بالعلم والخطّ و دونهما عمّا حدة فی اللّوح والذی ترک ما امر به فللامنّاء ان یاخذوا منه مایکون لازماً لتربیتهما ان کان غنیّاً والا یرجع الی بیت العدل. انا جعلناه ماوی الفقراء والمساکین» مضمون این آیه مبارکه چنین است (لازم گشت بر هر پدری تربیت فرزندانش بخواندن و نوشتن و علوم و سایر چیزهاییکه در کتاب مسطور است و اگر کسی در این کار قصور کرد وظیفه اعضای بیت العدل است که چنانچه آن شخص غنی باشد از او وجه لازم برای تربیت فرزندانش دریافت کنند والا خود بیت العدل موظف است که از صندوق خویش خرج تربیت و تعلیم آن اطفال را تأمین نماید زیرا ما بیت العدل را پناهگاه فقراء و مساکین قرار داده ایم.)

حضرت عبدالبهاء در لوح تربیت می فرمایند: «جمهور عقلا برآند که

تفاوت عقول و آراء از تفاوت تربیت و تعلیم آدابست یعنی عقول در اصل متساوی است ولی تربیت و تعلیم آداب سبب گردد که عقول متفاوت شود و ادراکات متباین. این تفاوت در فطرت نیست بلکه در تربیت و تعلیم است و امتیاز ذاتی از برای نفس نیست لهذا نوع بشر عموماً استعداد وصول باعلی المقامات دارند... انبیا نیز تصدیق این رأی را می فرمایند که تربیت نهایت تأثیر در بشر دارد ولی می فرمایند عقول و ادراکات در اصل و در فطرت نیز متفاوت است و این امر بدیهی است و قابل انکار نه چنانکه ملاحظه می فرمائید اطفال هم سن و هم وطن و هم جنس بلکه از یک خاندان در تحت تربیت یک شخص پرورش یابند با وجود این عقول و ادراکاتشان متفاوت یکی ترقی سریع نماید و یکی پرتو تعلیم بطئی گیرد ... تربیت گوهر انسان را تبدیل نکند ولکن تأثیر کلی نماید و بقوه نافذه آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندرج و مندمج به عرضة ظهور آرد ... اگر مربی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلم نباشد اطفال کل مانند حشرات گردند. این است که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امری اجباری است نه اختیاری. یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را بنهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و درآغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این قصور کنند نزد رب غیور مأخوذ و مذموم و مدخورند و این گناهی است غیرمغفور زیرا آن طفل بیچاره را آواره صحرای جهالت کنند و بدبخت و گرفتار و معذب نمایند. مادام الحیوة طفل معصوم اسیر جهل و غرور و نادان و بی شعور ماند و البته اگر در سن کودکی از این جهان رحلت نماید بهتر و خوشتر است...»

۵_ تساوی حقوق رجال و نساء

زن و مرد باید از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اداری دارای حقوق و مزایای مساوی باشند. اگر این امر تحقق نیابد وحدت عالم انسانی که اُس اساس عقاید بهائیان است بمرحله عمل در نخواهد آمد.

وقتی در خانواده وحدت و مساوات وجود نداشته باشد چگونه می توان امیدوار بود که در سطح جهانی وحدت و یگانگی برقرار گردد. هزاران سال زن تحت نفوذ مرد بوده ولی امروز روزی است که عقاید عمومی دیگر نمی تواند چنین موضوعی را قبول نماید. چگونه می توان نساء را که نصف جمعیت روی کره ارض را تشکیل می دهند نادیده گرفت. در دیانت بهائی تعلیم و تربیت دختران مهمتر از پسران است زیرا دخترهای امروز مادرهای فردا هستند و اولین مربیان اطفال مادران می باشند.

در بعضی نقاط هنوز بانوان از نعمت آزادی محرومند و حتی گاهی با آنها مثل کالا معامله می شود حق دخالت در امور سیاسی و اداری و اجتماعی را ندارند، نمی توانند رأی بدهند و خود را موجودی حقیر بشمار می آورند در حالی که چنین روشی خارج از عدل و انصاف است. زن نیز مانند مرد آفریده پروردگار است و اگر بدیده حقیقت بنگریم نساء مهمتر از رجال هستند زیرا وظیفه تربیت اولاد را بعهدہ دارند و کسی که از نظر حقوق شخصی و اجتماعی و آزادی و اظهار نظر محروم باشد چگونه خواهد توانست فرزندان لایقی تربیت نماید.

حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه می فرمایند: «از جمله تعالیم حضرت بهاءالله وحدت رجال و نساء است که عالم انسانی را دو بال است یکبال رجال و یک بال نساء. تا دو متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید. اگر یک بال ضعیف باشد پرواز ممکن نیست. تا عالم نساء مساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجاج چنانکه باید و شاید ممتنع و محال.»

همچنین در ضمن نطق مبارک در فیلادلفیا در ۸ ژوئن ۱۹۱۲ میلادی می فرمایند:

«... نساء و رجال کل در حقوق مساوی بهیچوجه امتیازی در میان نیست زیرا جمیع انسانند فقط احتیاج به تربیت دارند. اگر نساء مانند رجال تربیت شوند هیچ شبهه ای نیست که امتیازی نخواهد ماند زیرا عالم

انسانی مانند طیور محتاج بدو جناح است یکی اناث و یکی ذکور ...
جمع را عقل و دانش عنایت فرموده ... در میان امتیازی نگذارده است
لهذا چرا باید نساء از رجال پست تر باشند. عدالت الهی قبول نمی کند.
عدل الهی کل را مساوی خلق فرموده در نزد خدا ذکور و اناثی نیست هر
کس قلبش پاکتر عملش بهتر در نزد خدا مقبول تر خواه زن باشد خواه
مرد. چه بسیار زنان پیدا شده اند که فخر رجال بوده اند مثل حضرت
مریم که فخر رجال بوده و مریم مجدلیه غبطه رجال بود. مریم أم یعقوب
قدوه رجال بود. آسیه دختر فرعون فخر رجال بود. سارا زن ابراهیم فخر
رجال بود و همچنین امثال آنها بسیار است. حضرت فاطمه شمع انجمن
نساء بود حضرت قرّة العین کوکب نورانی روشن بود...»

۶- وحدت لسان

برای اینکه وحدت عالم انسانی برقرار شود و صلح عمومی انجام پذیرد
لازم است که یک زبان بین المللی انتخاب شود و اطفال علاوه بر زبان
مادری لسان عمومی را هم در مدرسه فراگیرند.
در جهان امروز که شرق و غرب و شمال و جنوب از هر جهت بهم مربوط
گشته و کره ارض حکم یک وطن را پیدا نموده چاره ای نیست جز اینکه
دولت عالم یا زبانی جدید اختراع کنند و یا از میان زبانهای زنده عالم
یکی را انتخاب نمایند تا در کشورهای مختلف دنیا در سطوح مختلف
تحصیلی با آن زبان تدریس و در دنیای تجارت و معاملات بین المللی
نیز آن زبان بکار گرفته شود. در این صورت احتیاج به تحصیل زبانهای
متعدد نخواهد بود و زبان مادری و زبان بین المللی کفایت خواهد کرد.
بدین ترتیب آدمی در هر نقطه از عالم که باشد مثل این است که در
وطن خویش بسر می برد و بسیاری از مشکلات و اختلافاتی که از عدم
درک متقابل بوجود می آید از بین خواهد رفت.
جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند: «یا اهل المجالس فی
البلاد اختاروا لغة من اللغات لیتکلم بها من علی الارض وکذلک من

الخطوط انّ الله يبيّن لكم ما ينفعكم و يغنيكم عن دونكم انّه لهما الفضالّ العليم الخبير» (ای اعضای پارلمان های دنیا یکی از زبانهای موجود و همچنین از خطوط موجود را انتخاب کنید که مردم روی زمین با آن مکالمه کنند. بدurstیکه خداوند آنچه را که بشما نفع می رساند بیان می کند و شما را از غیر خودتان مستغنی می سازد. به تحقیق او فضال و عليم و خبير است)

در کتاب اشراقات می فرمایند: «اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است. لازال به اتفاق آفاق عالم بنور امر منور و سبب اعظم دانستن خط و گفتار یکدیگر است. از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود.»

همینطور در کلمات فردوسیّه می فرمایند: «از قبل فرمودیم تکلم بدو لسان مقدر شود و باید جهد شود تا بیکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگرود و جمیع ارض مدینه واحده و قطعه واحده مشاهده شود.»

و باز در بشارات می فرمایند: «بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است. از قبل از قلم اعلی این حکم جاری. حضرات ملوک ایدهم الله و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند و همچنین خط در این صورت ارض قطعه واحده مشاهده شود.»

حضرت عبدالبهاء در نطق مبارک در فیلادلفیا چنین می فرمایند: «تعلیم نهم حضرت بهاءالله وحدت لسان است یک لسان ایجاد شود و آنرا جمیع آکادمی های عالم قبول نمایند یعنی یک کنگره بین المللی مخصوص تشکیل دهند و از هر ملّتی نمایندگان و وکلا دانا در آن جمع حاضر گردند و صحبت و مشورت نمایند و رسماً آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جمیع مدارس عالم تعلیم اطفال کنند تا هر انسان دو لسان داشته

باشد. یک لسان عمومی و یک لسان وطنی. تا جمیع عالم یک وطن و یک لسان گردد زیرا این لسان عمومی از جمله اسباب اتحاد عالم انسانی است...»

و نیز در خطابه مبارک در ادیمبورگ می فرمایند: «... وحدت لسان سبب الفت بین قلوب است. سبب حصول اتحاد است سبب زوال سوء تفاهم است. سبب ظهور حقیقت است. سبب محبت جمیع بشر است به جهت وحدت لسان می تواند به اسرار قرون ماضیه مطلع شود و بکمال سهولت تحصیل علوم و فنون موجوده کند زیرا در مدارس شرق و غرب اهالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند اول باید چهار سال تحصیل لسان کنند تا مباشرت به علم نمایند. لکن کسی که لسان عمومی داشته باشد در صغر سن آن لسان را تحصیل کند بعد بهر مملکتی برود بدو به تحصیل علوم مشغول گردد. امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگری است اما اگر لسان عمومی داشته باشد چقدر آسان می شود. فی الحقیقه نصف حیات بشر باید به تحصیل لسان صرف شود...»

۷- بیت العدل

یکی دیگر از مبادی اصلیه دیانت مقدس بهائی مؤسسه بیت العدل است که طرز انتخاب و وظایف آن قبلاً بتفصیل بیان گردید. حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس بیت العدل محلی را که باید در هر مدینه تشکیل گردد تشریح فرموده اند. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایا تشکیل بیت العدل عمومی بین المللی را توصیه و حضرت ولی امرالله با پایه گذاری بیوت عدل ملی (محافل روحانیه ملیّه) این دو مؤسسه عظیم را بهم مربوط و متصل فرموده اند. اولین محفل روحانی در زمان حضرت عبدالبهاء در طهران تشکیل یافت.

در امر بهائی عدل و انصاف از اعظم خصائل بشمار می رود چنانچه حضرت بهاء الله در کلمات مکتونه می فرمایند: «أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي

الانصاف لا ترغبُ عنه ان تكن الی راغباً» به همین دلیل بزرگترین مرکز تقنینیه بهائی بیت العدل نامیده شده است. اینک بعضی از بیانات مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در زمینه بیت العدل نقل می‌گردد.

حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس می‌فرمایند:

«یا رجال العدل كونوا رعاة اغنام الله في مملكته واحفظوهم عن الذئاب الذين ظهروا بالاثواب كما تحفظون ابنائکم كذلك ينصحکم الناصح الامین» مضمون بیان مبارک چنین است (ای اعضای بیت العدل باشید مانند شبان برای گوسفندان خداوند در مملکت او و آنها را از گرگهای درنده که لباس چوپانی بتن کرده اند محافظت کنید همانطوریکه فرزندان خود را محافظه می‌کنید. این چنین نصیحت می‌کند شما را خداوند ناصح امین)

در لوح اشراقات می‌فرمایند: «امور ملت معلق است به رجال بیت العدل. ایشانند امناءالله بین عباد و مطالع امر فی بلاهه ... چونکه هر روزی را امری و هر حین را حکمتی مقتضی. لذا امور به وزراء بیت عدل راجع تا آنچه مصلحت وقت دانند معمول دارند ... امور سیاسیه کل راجع است به بیت العدل و عبادت بما انزالله فی الکتاب...»

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا چنین می‌فرمایند: «اما بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصنواً من کل خطا باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوی الهی و مطالع علم و دانایی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت العدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت العدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت العدل عمومی را انتخاب نمایند. این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه. و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد ... این بیت العدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و

التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و وزین گردد و اقالیم جنت
النعم و بهشت برین شود...»

همچنین در مکاتیب جلد سوم می فرمایند: «... از مشورت مقصود آنست
که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است. نظیر قوت نفوس
کثیره که البته اعظم از قوت شخص واحد است. لهذا شور مقبول درگاه
کبریا و مأمور به و آن از امور عادیه شخصیه گرفته تا امور کلیّه
عمومیّه ... اما مشورت مجلس شور سیاسی عموم ملکی و ملکوتی یعنی
بیت العدل آن به انتخاب عموم است و آنچه اتفاق آراء یا اکثریت آراء در
آن شورا مقرر یابد معمول مبراست ...»

**Baha'i World Order
and
The Current Systems**

Pasha Nazerian



**P.O.Box 1309
Bundoora, Victoria 3083
Australia**